

فرخنده باد اول ماه مه روز همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان!

پیام مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت اول ماه مه



دوره هشتم - سال اول - شماره ۴۷
پنجشنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۶۴
بها ۲۰ ریال

مبارزه برای صلح، آزادی و دفاع پیگیر از حقوق صنفی و سیاسی خود تبدیل می کنند. درمیهن ما نیز با وجود همه دشواری ها و یورش همه جانبه و دانشی نیروهای ارتجاعی به جنبش کارگری، همواره جشن اول ماه مه برگزار شده و خواهد شد. امسال نیز سردمداران رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبگر با توسل به شیوه تهدید و ارعاب خواهند کوشید تا مانع برگزاری مراسم اول ماه مه بشوند. اما علیرغم همه دشواریها باید جشن اول ماه را هر چه گسترده تر برگزار کرد و با مبارزه حق طلبانه خود هرچه بیشتر به افشای این رژیم ضد کارگری و ضد خلقی پرداخت.

کارگران و زحمتکشان ایران! فرارسیدن جشن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز همبستگی بین المللی کارگران را به شما مدافعان پیگیر آماجهای مردمی انقلاب بهمین و مبارزان پیشرو و ثابت قدم راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح، شادباش می گوئیم. اول ماه مه عید کارگران سراسر جهان است. در این روز کارگران کشورهای سوسیالیستی دستاوردهای عظیم و تاریخی خود را به معرض نمایش می گذارند. صدها میلیون کارگر در کشورهای سرمایه داری این روز را در صفوف متشکل و متحد به روز تجدید پیمان با یکدیگر در راه

بقیه در صفحه ۴

۶۰- امین سالگرد برافراشتن پرچم سرخ ارتش آزادیبخش اتحاد شوروی برفراز رایشستاگ



روز ۱۰ اردیبهشت (۲۰ آوریل ۱۹۴۵) مصادف با چهلیمین سالگرد تصرف "رایشستاگ" (بنای پارلمان آلمان نازی) به امتزاز در آمدن پرچم سرخ ارتش آزادیبخش اتحاد شوروی برفراز آن است. شایسته است بدین مناسبت خجسته و درآستانه فرارسیدن چهلیمین سالروز پیروزی بر فاشیسم و پایان جنگ دوم جهانی که مردم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و همه خلقهای صلحدوست، احزاب و سازمانهای مترقی و انقلابی و دوستاران صلح در سراسر جهان خود را برای برگزاری هرچه با شکوه تر جشن های سالگرد این رویداد تاریخی عظیم آماده می کنند، نظری به نبرد قهرمانانه خلقهای اتحاد شوروی در جنگ کبیر میهنی بیافکنیم. جنگ کبیر میهنی مردم شوروی در سپیده دم ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ به حمله غافلگیرانه ارتش فاشیسم بقیه در صفحه ۳

مروری بر رویدادهای کارگری در سال ۶۳

سال مبارزه و ایستادگی کارگران در برابر رژیم خودکامه "ولایت فقیه"

سال ۱۳۶۳، سال اعتلای جنبش کارگری و سال تشدید مبارزات اعتصابی کارگران صنعتی بود. سال دریده شدن نقاب تزویر از چهره حاکمیت مرتجع ج.ا. و سال سلب اعتماد قشرهای بازمه وسیع تری از توده های زحمتکش از این حاکمیت بود. رویدادهای کارگری در سال ۶۳، بار دیگر نشان داد که یورش به حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، سرآغاز تعرض وسیع ارتجاع به دستاوردهای جنبش کارگری و نقطه عطف چرخش رژیم به سمت راه نکبت بار سرمایه داری است. رژیم دیکتاتوری "ولایت فقیه" به حزب توده ایران یورش برد تا طبقه کارگر میهن ما را از زبان گویا و وجدان بیدار خود محروم سازد. اما به رغم جنایات هولناکی که علیه توده ای های دربند مرتکب شد، حزب بار دیگر قد بر افراشت و کارگران نیز در برابر تعرضات رژیم دست به مقاومت زدند. پاسداران که با نقاب بر چهره و طپانچه بر کمر، در اردیبهشت سال ۶۳، فعالین تشکل های کارگری و زحمتکشان توده ای را از کارخانه ها شکار کردند و به "اوین" بردند، پس از گذشت کمتر از یکسال، خود را با خیل عظیم کارگران روبرو یافتند که با سلاح اعتصاب برای تحقق خواسته های خود، کام در میدان می گذاشتند.

سیاست ضد کارگری رژیم

در سال ۶۳ تنها قوانین جدید بسود زحمتکشان تدوین و تصویب نشد، بلکه تعرض به دستاوردهای بقیه در صفحه ۲

ای قاتل جوانان مرگت فرارسیده

جنگ، جنگ، کوپروزی؟ جنگ، جنگ، کوپروزی؟

"چگونگی واقعه این است که در ساعت ۲ بعداز ظهر روز چهارشنبه ۲۱ فروردین، در کوی سیزدهم آبان، که محله زحمتکش نشین در جنوب تهران - بین نازی آباد و شهر ری - است، بین یک جوان از ساکنان محل و یک پاسدار بر سر چگونگی جنگ ایران و عراق بحث و مشاجره در گرفت. کم کم دامنه بحث وسیع تر شد و قریب ۲۰ نفر از اهل محل که ناظر مشاجره بودند، به پشتیبانی از جوان، که بر لزوم پایان جنگ تاکید می کرد، پا به دایره بحث نهادند. پاسدار که عرصه را بر خود تنگ می دید برای خاتمه دادن به تبلیغات ضد جنگ، طرف مورد بحث خود را با بقیه در صفحه ۶

کارگران و زحمتکشان! در آستانه روز جهانی کارگر، مبارزه علیه جنک خانمانسوز را تشدید کنید!

مروری بر رویدادهای کارگری...

بقیه ارسفحه ۱

جنبش کارگری نیز در چارچوب تصویب قوانین ارتجاعی تشدید گردید. حق تشکل مستقل صنفی، حق برخورداری از امنیت شغلی، بیمه و تامین اجتماعی، حق دریافت دستمزد متناسب برای تامین نیازهای اساسی زندگی، حق مشارکت در اداره امور واحد کار و نظارت بر مدیریت، حق برخورداری از مسکن مناسب و... از کارگران سلب شد. همه حقوق عمومی و اختصاصی کار، مورد تعرض وسیع تر ارتجاع قرار گرفت.

سال ۶۳ با لغو قانون ملی کردن تجارت خارجی آغاز شد. این اقدام پیامدهای ناگوار برای زحمتکشان داشت. تعاونی‌های کارگری زیر فشار قرار گرفتند و از دریافت سهمیه مستقل محروم شدند. تعاونی‌ها ملزم شدند، کالاهای مورد نیاز کارگران را از تجار بزرگ و واسطه‌ها خریداری نمایند. پیش نویس قانون کار، به مدت یکسال دیگر در هیئت دولت بایکامی شد. قانون ارتجاعی "شوراهای اسلامی کار" و لایحه حدود و فعالیت بخش خصوصی در صنعت و کشاورزی از تصویب مجلس گذشت. دولت سیاست واگذاری کارخانه‌ها به بخش خصوصی را در پیش گرفت. با اصرار رژیم بر ادامه جنگ ضد مردمی، به حساب جان و دسترنج زحمتکشان، فشار بر کارگران برای اعزام به جبهه و اخذ کمک مالی برای جنگ، افزایش یافت. در کنفرانس بین المللی کار (ژنو - ژوئن ۸۴) وزیر کار و امور اجتماعی مخالفت و عدم پایبندی رژیم به مقاوله نامه‌ها و استناداردهای بین المللی کار را اعلام داشت. شورای عالی کار برای پنجمین سال متوالی حداقل دستمزد کارگران را ثابت نگهداشت.

این سیاست خائنانه و ضدکارگری، نمی توانست خشم زحمتکشان را برنیا نگیزد. اعتراضات و اعتصابات پر شمار کارگری، در حقیقت پاسخ شایسته زحمتکشان در رد این سیاست‌های ضد انقلابی بود.

خواست‌های کارگران و گستردگی اعتصابات

ثابت نگهداشتن دستمزد کارگران و افزایش سرسام آور هزینه زندگی، قدرت خرید زحمتکشان را بیش از پیش کاهش داد. در عوض حجم نقدینگی بخش خصوصی بنا بر تخمین رییس اتاق صنایع و معادن ایران در سال ۶۳ به رقم نجومی ۹۰۰ میلیارد ریال رسید. کارکنان همه عرصه‌های تولید و خدمات، ناراضی و خشم خود را با کم کاری فراگیر ابراز داشتند. سازمان یافته ترین بخش طبقه کارگر، کارگران شاغل در واحدهای بزرگ صنعتی برای دفاع از حق زندگی و افزایش دستمزد به اشکال عالی تر مبارزه - اعتصاب و تظاهرات - دست زدند. امواج اعتصاب یکی پس از دیگری، واحدهای بزرگ کار و تولید را در سراسر کشور در نوردید. دامنه اعتصابات به کارخانه‌های صنایع نظامی نیز که نظم سربازخانه بر آن‌ها حاکم است رسید.

بنابه گزارشهای موثق، در سال ۶۳ بیش از ۱۵۰ اعتصاب کارگری در واحدهای بزرگ تولیدی و خدماتی کشور بوقوع پیوسته است. تنها در تهران بیش از ۹۰ هزار کارگر از ۵۰ کارخانه بزرگ، در اعتصابات شرکت داشته‌اند. تعداد کارگران شرکت کننده در اعتصاب بیش از ۴۲٪ کل نیروی شاغل در استان تهران است.

اعتصابات یکپارچه کارگران شرکت ساسان، دخانیات (دومین اعتصاب - فروردین ۶۳)، زامیاد، پارس متال، ارج، کفش وین و... در تهران، ذوب آهن اصفهان، کشت و صنعت مغان، معادن زغال سنگ کرمان و بافق، سازمان آب مشهد، نورد اهواز، چوکا گیلان، نساجی قائم شهر، نازنخ قزوین، چرم خسروی تبریز، کشفای ارومیه و... در شهرستانها، نمونه‌هایی هستند که گستردگی اعتصابات در سراسر کشور را آشکار می‌سازند.

در اکثر موارد کمی دستمزد و ملحقات جنبی مزد (پاداش سالیانه و عیدی، حق بهره‌وری، حق طبقه بندی مشاغل، حق اولاد و...) انگیزه اصلی اعتصابات بود. معهدا خواست‌های اعتصابیون به مراتب متنوع تر از این‌ها است. اساسی است. در بسیاری از اعتصابات، اعتراض به اخراج کارگران (کارخانه کفش جم، فخر ایران و...)، مخالفت با اخذی برای جبهه جنگ و اعزام کارگران به کام مرگ (کارخانه کفش وین، کشفای ارومیه و...)، دفاع از تشکل کارگری (کارخانه فخر ایران، سایپا و...)، مخالفت با مدیران ضدکارگر (کشت و صنعت مغان و...) و... مستقیما و یا در کنار خواست افزایش دستمزد مطرح شده است. خواست‌های کارگران همه عرصه‌های حقوق اختصاصی و عمومی کار را در بر گرفت.

حربه ارتجاع؛ فریب و سرکوب

رژیم خودکامه "ولایت فقیه" برای متوقف کردن اعتراضات روبه رشد زحمتکشان سیاست، فریب و سرکوب را اتخاذ کرد. تبلیغ سازش طبقاتی و آشتی گرگ و میش وسیع تر از پیش در دستور قرار گرفت. وزیر کار خواهان برقراری تفاهم بین کارگران و سرمایه‌داران شد (سخنرانی در خانه کارگر لم). برای فریب زحمتکشان و تسهیل واگذاری کارخانه‌ها به بخش خصوصی پیشنهاد فروش بخشی از سهام کارخانه‌ها به کارگران مطرح گردید. رییس مجلس نیت واقعی حکومت را از این گونه اقدامات در نماز جمعه ۶ مهر ۶۳ بیان کرد: "مصلحت پولدارها این است که مردم قدرت خریدشان بالا برود و قدرت خرید مردم هم به این شکل بالا می‌رود که در کارها شریک بشوند". رژیم کوشید به کمک "خانه کارگر" که اداره آن را در دست دارد، جنبش اعتراضی و اعتصابی کارگران را مهار کند. اما طبقه کارگر فریب نخورد.

پاسداران و ماموران مسلح کپیته‌ها، دادستانی انقلاب، ماموران ویژه زندان اوین با آموزش‌های لازم به کارخانه‌ها اعزام شدند. به

روی کارگران اسلحه کشیدند و بسیاری از فعالین اعتصابات را دستگیر و روانه زندان‌ها ساختند. موج اخراج‌های وسیع به راه افتاد. رژیم، در کلیه شهرها "کمیسیونهای" مقابله با اعتصاب تشکیل داد ولی موفق به استقرار "نظم" مطلوب سرمایه‌داران در کارخانه‌ها نشد.

تشکل‌های کارگری

سرکوب تشکل‌های کارگری (سندیکاها، شوراهای، تعاونی‌های مصرف و مسکن و...) که از سالها پیش آغاز شده بود، در سال ۶۳ کماکان ادامه یافت. به بهانه عدم وجود قانون از تجدید انتخابات شوراهای و سندیکاها جلوگیری بعمل آمد. بسیاری از عناصر فعال شوراهای و نمایندگان کارگران در جریان مبارزه کارگران و اعتصابات بازداشت و یا اخراج شدند و این امر در ادامه کار تشکل‌های موجود مشکلات جدی ایجاد کرد. در حال حاضر تمام مجتمع‌های بزرگ صنعتی و اکثریت قریب باتفاق واحدهای کارگری فاقد شورا یا سندیکا هستند.

"خانه کارگر" در سال گذشته همچنان محل تجمع علنی و رسمی "انجمن‌های اسلامی" و "شوراهای اسلامی" کارخانجات بود. به علت کاهش تعداد شوراهای، انجمن‌های اسلامی وزن بیشتری در خانه کارگر یافتند. "خانه کارگر" دارای خصلت یکپارچه نیست و اگر چه شعب خود را در سال ۶۳ در همدان، قم و چند شهر دیگر دایر کرد، معهدا هنوز دارای پوشش سراسری نیست. تعمیق و گسترش مبارزات کارگری در سال ۶۳ و فشار کارگران "خانه کارگر" را واداشت تا پیش نویس قانون کار را غیر قابل قبول اعلام کند. در مناطق صنعتی، نظرات شوراهای بیشتر در "کانونهای هماهنگی شوراهای اسلامی کارگران" یعنی شاخه‌های "خانه کارگر" مطرح گردید. خواسته‌های مطرحه از جانب کارگران در این کانونها، بطور کامل در "خانه کارگر" و مطبوعات مجاز منعکس نشد. حق تشکل مستقل صنفی، افزایش دستمزد، طبقه بندی مشاغل، مخالفت با اخراج کارگران، خواست مشارکت در تدوین قانون کار متری، مخالفت با واگذاری کارخانه‌ها به بخش خصوصی، خواست نظارت بر سازمان تامین اجتماعی و... از اهم موضوعات مورد بحث در کانونها بود.

تعاونی‌های مصرف کارگری یکی از فراگیرترین تشکل‌های کارگری است. علیرغم فشار حکومت و کارشکنی‌های بسیار علیه اتحادیه سراسری تعاونی‌های مصرف کارگران - اتحادیه امکان - با حدود یک میلیون عضو (با احتساب افراد خانواده اعضا، قریب ۶ میلیون نفر را زیر پوشش دارد) کارگران موفق شدند موجودیت آنرا در سال ۶۳ حفظ کنند و خواسته‌های خود را در مطبوعات نیز منعکس نمایند.

کارگران و جنگ

در این سال رژیم همچنان کوشید کارگران را

بقیه در صفحه ۶

تشریح

به مناسبت فرارسیدن نوروز ۶۴، سازمانهای مختلف حزبی و گروه زیادی از اعضای و هواداران حزب توده ایران، در داخل و خارج کشور، نامه های شادباش و کارت های تبریک به "نامه مردم" فرستاده اند. در این نامه های پرشور، رفقای ما از انتشار پیگیر "نامه مردم" و دیگر نشریات حزبی ابراز خوشحالی کرده اند. این پیامها و شادباش ها نویدبخش ادامه مبارزه و به مثابه مشت محکمی بر دهان یاوه گویانی است که تصور می کردند حزب توده ایران در اثر یورش وحشیانه رژیم "ولایت فقیه" از پای درآمده است.

"نامه مردم" بدینوسیله تشکر می کند و آرزومند بهروزی همه پیام دهندگان و پیروزی مبارزه زحمتکشان در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و صلح است.

و در دوم ماه مه برلین، پایتخت و تکیه گاه عمده آلمان فاشیستی سقوط کرد. پس از سقوط برلین و سرکوب مقاومت های پراکنده هیتلری ها، سرانجام دیرگاه هشتم ماه مه (نخستین ساعات نهم ماه مه به وقت مسکو) تسلیم بدون قید و شرط آلمان هیتلری به امضاء رسید. بدینسان روز نهم ماه مه روز پیروزی جنگ کبیر میهنی مردم شوروی و همه خلقها بر دیو پلید فاشیسم، برای همیشه در تاریخ ثبت گردید.

در جنگ کبیر میهنی، مردم قهرمان شوروی تلفات انسانی و زیانهای مادی عظیمی متحمل شدند. چکیده ای از آن چنین است: ۲۰ میلیون تن از شهروندان اتحاد شوروی در اسارتگاه ها، بازداشتگاهها و در صحنه های خونین جنگ به شهادت رسیدند. ۱۷۱۰ شهر بزرگ و کوچک و ۷۰ هزار روستا در اتحاد شوروی ویران گردید و در نتیجه ۲۵ میلیون نفر آواره و بی خانمان شدند. جنگ افزوزان هیتلری ۲۲ هزار موزه صنعتی و ۶۵۰۰ کیلومتر راه آهن را نابود کردند. ۶۵ هزار کالوز، ۱۸۷۶ ساخوز و ۲۸۰۰ توقفگاه ماشین و تراکتور از سوی هیتلری ها چپاول شد. خسارات مالی اتحاد شوروی (بقیمت های پیش از جنگ) به بیش از ۶۸ میلیارد روبل بالغ گردید.

در فراسوی این ارقام باید دنیایی از قهرمانی ها، جانبازی ها و حماسه آفرینی های پر عظمت و توصیف ناپذیر انسانی را دید. سیاهه پیشگفته تنها نموداری از بهای سنگینی است که خلق های شوروی به رهبری دولت و حزب کمونیست اتحاد شوروی در راه دفاع از صلح، آزادی و استقلال خلقها پرداخته است.

پیروزی پر فاشیسم دوران نوینی را در تاریخ بشریت گشود؛ جامعه کشورهای سوسیالیستی تشکیل گردید، سیستم مستعمراتی امپریالیستی فرو پاشید، جنبش های آزادی بخش ملی اوج گرفت و جنبش عظیم خلقهای جهان در راه صلح، آزادی و ترقی اجتماعی گسترش روز افزونی یافته و می یابد.

۴۰- امین سالگرد برافراشتن پرچم سرخ ارتش آزادیبخش اتحاد شوروی بر فراز رایشستاک

ولگا برسانند و چشم به دست اندازی برفقاز بدوزند.

ارتش نازی جز ردی از خون و خرابی و خاکستر از خود بجای نمی گذاشت. مثلا در نبرد استالینگراد، در ۱۳ ماه اوت بیش از ۲۰۰۰ پمب افکن آلمانی به استالینگراد حمله کردند. شهر را شراره های سوزان آتش و دود غرق کردند. نیمی از ساختمان های شهر ویران شد. حتی رودخانه ولگا را با پاشیدن نفت به آتش کشیدند. با این وجود شهر قهرمان استالینگراد ۲۰۰ روز پایداری کرد و بزرگ ترین حماسه های تاریخی جنگ میهنی را آفرید.

مردم اتحاد شوروی در برابر تجاوزگران، با تمام وجود از میهن خود دفاع می کردند زیرا نیک می دانستند که پیروزی به معنای آزادی و شکست به معنای بردگی و اسارت است. از این رو در همان مراحل پس دشوار اولیه جنگ، مردم اتحاد شوروی در پرتو رهبری و سازمانگری درخشان حزب کمونیست اتحاد شوروی با توان و پویایی بی همتای اقتصاد برنامه ریزی شده سوسیالیستی، میهن دوستی آفریننده و همبستگی جانبازانه و اراده خلل ناپذیر و قهرمانی توده ای، ضربات مرکباری به دشمن وارد کردند و شیرازه افسانه "شکست ناپذیری ارتش هیتلری از هم پاشیدند.

دشمن که قصد نابودی سریع و برق آسای اتحاد شوروی را در سر داشت، نخست در جبهه مسکوبا آنچنان شکستی روپرو شدند که ابتکار عمل را در جنگ برای همیشه از دست داد و چرخش تعیین کننده ای در سرنوشت جنگ بسود سوسیالیسم و به زبان فاشیسم و امپریالیسم آغاز شد. پیروزی جبهه مسکو با نبرد افتخار آمیز و حماسی استالینگراد تکمیل گردید.

در مرحله دوم جنگ کبیر میهنی (نوامبر ۱۹۴۲ تا دسامبر ۱۹۴۳) ارتش فاشیسم هیتلری بحالت دفاعی درآمد و ارتش اتحاد شوروی ابتکار استراتژیک جنگ را بدست گرفت.

سال ۱۹۴۴ چهارمین سال جنگ کبیر میهنی، سال پیروزی های قاطع و تابناک ارتش شوروی بود. طی ده ضربه جنگی، دشمن از همه سرزمین اتحاد شوروی پس رانده شد. افزون بر آن، پایه های حکومت سلطنتی در رومانی و بلغارستان و فرمانروایی هورتیست ها در مجارستان، فرو ریخت و از صف متحدین آلمان هیتلری بیرون آمدند، همچنین فنلاند، بخش های مهمی از لهستان، یوگسلاوی، چکسلواکی و نروژ از لوٹ وجود نیروهای فاشیسم پاک گردید.

سال ۱۹۴۵، سال پیروزی و پایان جنگ، کبیر میهنی و جنگ دوم جهانی است. در این سال ارتش شوروی، عملیات تعرضی گسترده ای را در بسیاری از جبهه ها آغاز کرد. در این مرحله لهستان آزادی کامل خود را باز یافت و ارتش شوروی در جبهه اودر- ناپسه، در خاک آلمان متمرکز شد، مجارستان و یوگسلاوی پاکسازی و وین فتح گردید

بقیه از صفحه ۱

هیتلری به اتحاد شوروی آغاز شد. عراده جنگی فاشیسم هیتلری، بعنوان نیروی ضربتی واپس گراترین و درنده خوترین محافل جهان سرمایه داری، به حرکت در آمد تا شعله های نامیرای انقلاب اکتبر را در کشور شوراها خاموش سازد و حکومت سوسیالیستی شوروی، یگانه پشتیبان و تکیه گاه استوار انقلاب ها و جنبش های آزادی بخش جهان را از پای در آورد و تسلط بی رقیب امپریالیسم را بر جهان فرمانروا کند و خلقها را به اسارت در آورد. ولی پایداری سلحشورانه و حماسه آفرینانه مردم شوروی در پاسداری از میهن سوسیالیستی، توانایی شکست انگیز و شکست ناپذیری نظام سوسیالیستی را به نمایش گذارد و در همان حال، همه نقشه پردازی های ستاد جنگی و زرادخانه سیاسی - ایدئولوژیک امپریالیسم را نقش بر آب ساخت.

در لحظه آغاز جنگ، آلمان هیتلری از امکانات اقتصادی و نظامی تقریباً سراسر قاره اروپا، با جمعیتی برابر با ۲۹۰ میلیون نفر و ظرفیت تولید فولاد به میزان ۲۱/۸ میلیون تن در سال برخوردار بود. در حالیکه جمعیت اتحاد شوروی ۱۷۰/۶ میلیون نفر و تولید فولاد آن تنها به ۲۲/۴ میلیون تن بالغ می گردید.

آلمانی ها نیروی نظامی ای در بر گیرنده ۷/۳۳۴ میلیون نفر در اختیار داشتند. این نیروها که در ۲۱۴ لشکر متشکل شده بودند، از جمله مجهز به ۵۶۰ تانک و ۱۰ هزار هواپیما بودند. از این نیروها ۵/۵ میلیون نفر در ۲۰۰۰ لشکر با ۴۲۰۰ تانک، ۵۰۰۰ هواپیما و ۴۸ هزار توپ و مین انداز در ۲۲ ژوئن در مرزهای اتحاد شوروی تمرکز داشت.

ارتش فاشیسم هیتلری، گذشته از تمرینات جنگی دوساله در اروپا و برخوردار از تجربیات نقل و انتقال استراتژیکی در شرایط جنگ موتوریزه و هوایی، در جبهه جنگی خاور به بهره گیری از عامل دیگری نیز امید بسته بود. این عامل تدارک نقشه جنگی به اصطلاح "حملات غافلگیرانه و برق آسا" بنام "نقشه بارباروسا" بود که از اواخر ۱۹۴۰ کارشناسان نظامی ستاد فرماندهی ارتش آلمان روی آن "موشکافانه" کار کرده بودند. بر طبق این نقشه باید اتحاد شوروی در ظرف یک ماه و نیم تا دو ماه فتح می گردید.

فاشیست های آلمانی در مراحل اولیه جنگ، بخاطر مجموعه ای از عوامل مساعد بویژه برتری های اقتصادی و نظامی و حملات غافلگیرانه توانستند دشواری های توانفرسایی را برای مردم، دولت و ارتش شوروی بیاریا ورنند و بخش بزرگی از خاک اتحاد شوروی را زیر پاشنه های خونین خود بگیرند. آنها با بباران های وحشیانه مناطق مسکونی و مراکز صنعتی، زبان های بزرگی به اقتصاد اتحاد شوروی وارد ساختند. آنها توانستند لنینگراد را در حلقه محاصره قرار دهند، خوه را به پای مسکو سپس

پیام مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بقیه از صفحه ۱

کارگران و زحمتکشان مبارزا

چشم اول ماه مه در شرایطی برگزار می شود که صلح جهانی به خطر افتاده است و جنگ زندگی برانداز هسته ای، هستی مردم همه کشورهای را تهدید می کند. امپریالیسم آمریکا و متحدانش موشک های هسته ای جدیدی در اروپای غربی مستقر کرده اند و تلاش می کنند با استقرار سلاح های هسته ای فضای کیهانی را نیز به عرصه مسابقه تسلیحاتی تبدیل کنند. در مقابله با سیاست ضد بشری امپریالیست ها، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، طبقه کارگر و دیگر نیروهای آزاده و صلح طلب جهان مبارزه پیکیر و قهرمانانه خود را در راه صلح، کاهش تسلیحات نظامی و خلع سلاح هسته ای ادامه می دهند.

اول ماه مه باید به سکوی پیکار کارگران و زحمتکشان کشور ما در همبستگی بانیهوهای مترقی و صلحدوست سراسر جهان برای حفظ صلح و امنیت خلقها تبدیل شود.

امسال نیز، مراسم اول ماه مه در ادامه جنگ خانمان برانداز رژیمهای ایران و عراق و بمباران مردم بی دفاع و در میان آتش و خون برگزار می شود. در این جنگ امپریالیسم بر افروخته تاکنون صدها هزار نفر از زحمتکشان دو کشور جان باخته اند، میلیون ها نفر آواره و بی خانمان شده اند، بسیاری از شهرها و روستاها، محلات مسکونی و مراکز بزرگ صنعتی و کشاورزی به تل خاکستری تبدیل شده اند. رژیم خودکامه جمهوری اسلامی همچنان با طرح شعار توسعه طلبانه "جنگ - جنگ تا پیروزی" فرزندان زحمتکشان را به کام مرگ و نابودی می کشاند و زمینه را برای استثمار و غارت زحمتکشان و وابستگی هرچه بیشتر کشور به انحصارات امپریالیستی نظامی و غیر نظامی فراهم می کند.

شعار قطع فوری جنگ و مذاکره در راه صلح عادلانه را در راس خواسته های خود قرار دهید. نگذارید رژیم کسی را روانه جبهه های بی بازگشت جنگ کند. نگذارید بخشی از دستمزد ناچیز شما به عنوان کمک به جبهه هابه جیب غارتگران داخلی و انحصارات امپریالیستی سر- زبر شود. هرچه متحدتر و متشکل تر، با اتحاد شهبوه های گوناگون مبارزه، ارکم کاری و تظاهرات موب- ضعی گرفته تا تظاهرات وسیع و اعتصابات همگانی برای پایان دادن به این جنگ خانمانسور بپا- خیزید.

در سالهای اخیر آزادیهای دمکراتیک بطور کلی در جامعه ما از بین رفته است. ترور و اختناق روز به روز بیشتر تشدید می شود. احزاب و سازمان های مترقی یکی پس از دیگری مورد یورش وحشیانه قرار گرفته اند. سران رژیم ضد مردمی مذبحخانه تلاش کردند تا حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر سازمانهای انقلابی و سندیکاهای کارگری و اتحادیه های صنفی زحمتکشان را متلاشی سازند.

در این راه ده ها هزار تن از مبارزان راه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و صلح و مدافعان واقعی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن توسط ارگانهای سرکوب و شکنجه اسیر شده و گروه بیشتری از رشیدترین فرزندان خلق و پیشروان جنبش کارگری، زیر شکنجه یا در میدان های اعدام به شهادت رسیده اند. انتشار مطبوعات، نشریات و کتابهای انقلابی و مترقی ممنوع اعلام شده است. تفتیش عقاید به سطح سیاست رسمی دولت ارتقاء یافته است و ارگانهای سرکوب و شکنجه حتی در خصوصی ترین مسائل شخصی و خانوادگی زحمتکشان بطور مستقیم و غیر مستقیم دخالت می کنند. گستاخی سران رژیم به جایی رسیده است که دشمنی و مخالفت خود را حتی با اعلامیه جهانی حقوق بشر رسماً و علناً اعلام می کنند.



روز اول ماه مه را باید به روز مبارزه کارگران و همه زحمتکشان کشور بخاطر احیاء آزادیهای دمکراتیک، نجات نیروهای مترقی از زندانها و شکنجه گاهها، حمایت از خانواده های زندانیان سیاسی و شهدای برحق انقلاب تبدیل کرد.

در این سالها هزاران تن از مردم قهرمان کردستان و نیروهای مترقی و دمکرات در راه کسب خودمختاری و برخورداری از حقوق ملی خود در میدان نبرد رویارو با رژیم خودکامه به شهادت رسیده و ده ها هزار تن از مردم بیگناه آواره کوهها و دشت ها شده اند.

باید علیه کشتار خلق کرد و در راه برخورداری خلق ها از حقوق ملی بطور متحد و پیکیر مبارزه کرد.

کارگران و زحمتکشان ایران!

سران رژیم جمهوری اسلامی در دفاع از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان از هیچ جنایتی به شما مردم زحمتکش فروگذار نکرده اند و نخواهند کرد. آنها سیاه ترین قوانین، از جمله کلیات لایحه فوق ارتجاعی "حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" در صنایع و کشاورزی را به تصویب رسانده اند. اجرای چنین قوانینی به منزله سپردن کلید اقتصاد کشور وهستی

کارگران، دهقانان، کارمندان و دیگر اقشار زحمتکش به غارتگران است. کارخانه ها و زمین ها و دیگر اموال مصادره شده و ثروت های ملی که شما زحمتکشان با نثار خون از حلقوم دشمنان طبقاتی خود بیرون کشیده اید، به کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان سپرده می شود و بازار داخلی و اقتصاد کشور پیش از پیش به عرصه تاراج انحصارات خارجی و شرکای داخلی آنها تبدیل می گردد.

اولویت هزینه های سرسام آور جنگ که اساس برنامه ریزی دولت را تشکیل می دهد، صنایع و کشاورزی کشور را به رکود و ورشکستگی کشانده و هزاران کارگر و دهقان رانده شده از کارخانه ها و مزارع به اردوی عظیم بیکاران پیوسته اند. رژیم برای فریب افکار عمومی مسئله فروش سهام کارخانه های دولتی به کارگران را مطرح می سازد. هدف این طرح که همان "اصل سیزدهم انقلاب سفید" شاه مخلوع است، جلوگیری از مبارزه طبقاتی، تشدید بهره کشی و تشویق همکاری مسالمت آمیز بین کارگران و سرمایه داران می باشد.

باید پرچم مبارزه گسترده برای حفظ دستاوردهای انقلاب، علیه قوانین ضد کارگری و ضد دهقانی، علیه احیاء نظام منطبق سرمایه داری وابسته، علیه فروش کارخانه های دولتی و در راه پایان دادن به بیماری مزمن بیکاری در سراسر کشور برافراشت. طبقه کارگر به مثابه پرچمدار مبارزه همه زحمتکشان می تواند و باید با سیاست ایران برپاد ده رژیم به مقابله فراگیر برخیزد.

کارگران آگاه و مبارز ایران!

در سالهای اخیر کارگزاران رژیم تلاش می کردند تا لایحه ضد کارگری "پیش نویس قانون کار" را به تصویب برسانند. اما افشاکاری های آگاه گرانه بموقع حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و اعتراض و مبارزه قهرمانانه شما کارگران، رژیم را وادار به عقب نشینی کرد. اکنون سران جمهوری اسلامی قصد دارند که با استفاده از جو ترور و اختناق همان قانون کار را در لافاه جدید از تصویب مجلس و شورای نگهبان بگذرانند.

باید با مبارزه متشکل، سازمان یافته و متحد خود در مقابل این تصمیم ضد کارگری ایستادگی کنید. به قانونی که طرفدار سرمایه دار باشد و حقوق شما را پایمال کند تن ندهید.

در آستانه سال نو، رژیم خمینی با تصویب قانون ارتجاعی "تشکیل شوراهای اسلامی کار" خیانت دیگری علیه شما مرتکب شد. هدف رژیم پراکنده نگهداشتن طبقه کارگر و جلوگیری از اتحاد و یگانگی شماست. رژیم با اتکاء به این قانون مستقیماً در انتخاب شوراهای کار به نفع صاحبان سرمایه و مدیران کارخانجات اعمال نفوذ می کند.

بهار آزادی

دلا بهار کند باردیگر، آزادی
 هزار گل بشکوفد به چشمت از شادی
 درخت خشک کشد چتر سبز فام پسر
 پرنده لانه دیرینه را کند بستر.
 بر این دریچه، زنده باد مژده بخش انگشت
 به پشت ابر بکوبد دوباره تندر مشمت.
 بخاک خفته چو ریزد ترانه باران
 ز خاک می شنوی سرگذشتی از باران
 حریق پاده برآید زلاله شهدا
 در افکند به شهبستان عاشقان غوغا
 چنین که دست بخون کسان گشاده، ستم
 مقام ومنبر او را آب می بینم
 بیا غمین منشین خیز و خانه رومی کن
 بگیر دست رفیقان و پایکوبی کن!
 اگر ز قامت گل در چمن چراغ کشی
 تو بلبلان پراکنده را به باغ کشی
 زمین ز عطر کلامت بهار برگیرد
 زمان جوانی و جوشندگی ز سر گیرد.
 سرود و دوستی از سینه پلنده بر آر
 نهال مهر بخاک بخون تنیده بکار
 درفش عشق برآور پشور رستاخیز
 پتوده شعله پیوند و مردمی انگیز
 بود که با نفس خلق و توشه شادی
 رسم بهار دگر ما به شهر آزادی.

سیاوش کسرانی

اسفند ماه ۶۲

کشورهای رشد یابنده زیر بار کمروشن وام‌های آسارتبار امپریالیستی

وام کشورهای رشد یابنده از دولت‌ها و بانک
 های کشورهای سرمایه‌داری "صندوق بین المللی
 پول" و نیز "بانک جهانی توسعه و ترمیم" سال
 به سال روبه افزایش است.
 بر پایه ارقام انتشار یافته از سوی "بانک
 جهانی توسعه و ترمیم" کل وام ۱۰۵ کشور رشد
 یابنده، در حالیکه در سال ۱۹۸۳ حدود ۸۴۲
 میلیارد دلار بود، در پایان سال ۱۹۸۴ به ۸۹۵ میلیارد
 دلار بالغ گردید. در این میان، کشورهای برزیل،
 مکزیک و آرژانتین در وضع دشوارتری
 قرار دارند. در سال ۱۹۸۴، وام این کشورها به
 ترتیب به ۹۶ میلیارد دلار، ۸۷/۲ میلیارد دلار و ۴۶/۵
 میلیارد دلار رسید.
 همچنین باید خاطر نشان ساخت در سال ۱۹۸۳
 کشورهای رشد یابنده فقط برای پرداخت بهره
 وام‌های خود حدود ۹۲ میلیارد دلار به دولت‌ها و
 بانک‌های سرمایه‌داری پرداخته‌اند.
 معضل وام تنها یک معضل مالی خالص نیست،
 زیرا کشورها و بانک‌های امپریالیستی به هنگام
 واگذاری وام سیاست ویژه‌ای را در نظر دارند که
 هدف آن عبارت است از کنترل کامل اقتصاد
 کشورهای وام گیرنده.

پیام مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کارساز و مهم مبارزه اعتراضی و مطالباتی مبدل
 شده است.

باید دامنه اعتصابهای کارگری را هر چه
 گسترده تر کنید. باید در اعلام همبستگی با
 کارگران اعتصابی مرواحد صنعتی از هیچ تلاشی
 فروگذار نکنید و بدین ترتیب با ابراز قدرت،
 زمینه تحقق حقوق و خواستهای خود را در همه
 عرصه‌ها هر چه بیشتر فراهم کنید.

در شرایط اختناق کنونی، پیشروترین و
 با تجربه‌ترین کارگران برای رهبری مبارزه طبقه
 کارگر هسته‌های مخفی تشکیل می‌دهند. تشکیل
 اینگونه هسته‌ها و تداوم مبارزه هر روز اهمیت
 بیشتری پیدا می‌کند. رهنمودهای این هسته‌ها
 علا به راهنمای عمل کارگران مبدل می‌شود.
 باید در موسسات تولیدی و خدماتی در جهت
 تشکیل و تقویت این هسته‌ها، با هشیاری و دقت
 تمام عمل کرد.

کارگران و زحمتکشان ایران!

حیات جامعه در گرو کار شما و شاهرگ
 اقتصادی رژیم دردست شماست. رژیم سلطنتی
 وقتی سقوط کرد که کارگران اعتصاب همگانی را
 آغاز کردند و شیرهای نفت را بستند. رژیم
 جمهوری اسلامی نیز قادر نیست در برابر قدرت
 متحد شما ایستادگی کند. حاکمیت ارتجاع می
 کوشد تا به خواستهای حق طلبانه شما با سرکوب
 و ارباب و اخراج و زندان پاسخ بدهد، اما
 تجربه نشان داده است که مقاومت شما این
 حربه‌ها را کند و بی اثر می‌سازد.

امروزه مرتجعین حاکم، سلطنت طلبان و
 امپریالیست‌ها و دیگر نیروهای ضد خلقی بیش از
 هر زمان دیگر تلاش می‌کنند به تفرقه میان
 نیروهای انقلابی دامن بزنند و نگذارند
 مبارزات شما علیه رژیم به پیروزی برسد. باید
 توطئه‌های آنها را با هشیاری هر چه تمامتر خنثی
 ساخت. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق
 ایران سنگر مبارزه شما هستند. از سنگر خود
 دفاع کنید و آن را به دژ استوار پیکار خلق علیه
 ارتجاع حاکم بدل‌سازید. با اتحاد خود به
 حاکمیت ارتجاع پایان دهید و نقشه امپریالیسم
 و ضد انقلاب مغلوب برای تسلط مجدد بر کشور را
 برهم بزنید و راه حاکمیت خلق را هموار سازید.

پیروزی از آن شماست.

گرامی باد اول ماه مه!

زنده باد طبقه کارگر ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق
 ایران (اکثریت)

اردیبهشت ماه ۱۳۶۴

بقیه از صفحه ۴
 باید ضمن مبارزه علیه این قانون ضد انقلابی،
 در مقابل دخالت دشمنان طبقاتی در انتخاب
 اعضاء شوراهای کار مقاومت کنید. باید برای
 دفاع از حقوق خود، سندیکاها و اتحادیه‌های
 مستقل کارگری را سازمان دهید. در درون
 کارخانجات، عناصر ضد کارگری و از آنجمله
 عوامل سپاه، کمیته‌ها، دوایر حراست، انجمن
 های اسلامی و غیره را که به مقابله جاسوسان
 رژیم و عوامل سرکوب شما عمل می‌کنند، از خود
 برانید و افشا کنید. نمایندگان واقعی خود را
 انتخاب کنید، گرد نمایندگان واقعی خود حلقه
 بزنید و کارگزاران رژیم را از سنگر
 کارخانجات به عقب برانید.

در سالهای اخیر با وجود تورم و گرانی سرسام
 آور و علیرغم اعتراضها و مبارزات زحمتکشان،
 رژیم از افزایش حداقل دستمزد کارگران سرباز
 زده، در حالیکه هزینه زندگی روز به روز بالاتر
 رفته و فشار اقتصادی سبب شده است که بخش
 عظیمی از کارگران از اداره زندگی خود عاجز
 بمانند.

ادامه مبارزه در راه افزایش دستمزد و دریافت
 حقوق و مزایا، طرح عادیانه طبقه بندی مشاغل،
 دریافت سود ویژه، افزایش سهمیه تعاونی‌های
 کارگری، تامین زمین و وام و مصالح برای تعاونی
 های مسکن کارگری، بهبود شرایط و کاهش
 ساعات کار، تدوین و اجرای قانون تامین
 اجتماعی و مقررات جامع مربوط به حفاظت و
 ایمنی کار، و نیز مبارزه علیه اخراج جمعی
 کارگران زن و تعطیل خودسرانه مهد کودک‌ها و
 ده‌ها مورد ظلم و تبعیض دیگر از جمله وظایف
 روزمره شماست.

کارگران مبارز ایران!

شماره سالی که گذشت نشان داده‌اید که سنگر
 اصلی مبارزه خلق علیه ارتجاع حاکم هستید.
 اعتصابات بزرگ کارگران دخیانیات تهران،
 شرکت ساسان و بویژه کارگران ذوب آهن
 اصفهان لرزه بر پیکر ارتجاع حاکم افکند.
 حمایت بین المللی از کارگران ذوب آهن و نیز
 همبستگی قاطعانه بخش مهمی از کارگران کشورها
 آنان، نشانه بارز قدرت و آگاهی طبقه
 کارگر ایران است. اینک موج اعتصابهای دم
 افزون در کارخانجات کشور، از جمله در
 پالایشگاهها، نساجی‌ها، فولاد مبارکه، مس
 سرچشمه، چوکا و دهها واحد کوچک و بزرگ
 صنعتی دیگر گواه آن است که طبقه کارگر در
 شرایط کنونی با سلاح پرنده اعتصاب می‌تواند به
 طرز موثری در روند حوادث جامعه نقش تعیین
 کننده ایفا کند. اعتصاب در حقیقت به حربه

بزرگاری آزادانه مراسم روز جهانی کارگر خواست همه زحمتکشان است!

ای قاتل جوانان...

بقیه از صفحه ۱

اسلحه تهدید کرد. اما جوان یاد شده ساکت نشد و به پاسدار گفت: "اگر شهامت داری بزن!" پاسدار شلیک کرد و مغز جوان متلاشی شد و قاتل مسلح بلافاصله از صحنه گریخت.

در اثر صدای شلیک گلوله و داد و فریاد ناظران قتل، مردم محله از خانه هایشان بیرون ریختند. ماجرا زبان به زبان پخش شد و چیزی نگذشت که بالغ بر پنج هزار نفر در کوی سیزدهم آبان اجتماع کردند و با شعار "ای قاتل جوانان، مرگت فرا رسیده، جنگ، جنگ کو پیروزی؟" به تظاهرات پرداختند. دیری نگذشت جمعیت کثیری از محله های دیگر با خبر شدند و در تقاطع خیابان "شهید رجایی" (آرامگاه سابق) و کوی سیزدهم آبان به تظاهر کنندگان پیوستند. بدین ترتیب تعداد تظاهر کنندگان از مرزده هزار نفر گذشت.

در این هنگام بیش از صد نفر از ماموران مسلح کمیته ها راه را بر جمعیت بستند و با تیراندازی هوایی و انواع تهدیدها کوشیدند که تظاهر کنندگان را متفرق کنند. اما جمعیت بدون ترس به کمیته چی ها حمله کرده و بدون آن که فرصت تیراندازی به آنها بدهند، خلع سلاحشان کردند. تعدادی از ماموران کمیته مجروح شدند و بقیه پایه فرار نهادند.

در اثنای تظاهرات، جمعیت اتومبیلها را متوقف می کردند و ماجرا را برای سرنشینان باز می گفتند و شعارهایی علیه جنگ و خمینی برایشه اتومبیلها می چسباندند، سپس اتومبیلها با چراغهای روشن به راه می افتادند. بدین ترتیب دیری نگذشت که خبر تظاهرات ضد جنگ در سرتاسر تهران و شهر ری منتشر شد. در این میان گروه کثیری از ماموران مسلح سپاه، شهربانی، بسیج و کمیته ها که بخشی از آنها لباس شخصی پوشیده بودند خود را به جمعیت رسانده و با تیراندازی هوایی و یورش وحشیانه کوشیدند تا تظاهر کنندگان را متوقف کنند. اما مردم با جسارت در برابر آنان ایستادگی کردند و کماکان به شعارهای ضد جنگ، ضد خمینی و ضد پاسدار ادامه دادند. در میان تظاهر کنندگان گروهی از زنان و دختران، بدون رعایت حجاب تحمیلی شرکت داشتند.

ماموران رژیم که با لباس شخصی وارد جمعیت شده بودند، شروع به شناسایی سازمان دهندگان کردند. سپاه دست به تیراندازی زد و گروهی با گلوله از پا در آمدند. اما تظاهر کنندگان علیرغم این حملات و فشارها متفرق نمی شد. سرانجام با مداخله وسیع تر ماموران مسلح و وسعت دامنه تیراندازی، بالاخره در ساعت ۹ شب مردم به تدریج به خانه های خود بازگشتند. در این هنگام ماموران به تعداد زیادی از خانه های کوی سیزدهم آبان یورش بردند و صدها نفر از ساکنان محله را بازداشت کردند.

در ساعت ۱۱ همان شب (۲۱ فروردین) و صبح روز بعد دو گروه چند صد نفری در خیابان انقلاب در میدان شهدا به حرکت در آمدند و تعدادی موتور

مروری بر رویدادهای کارگری...

بقیه از صفحه ۲

به اجبار یا فریب، به جبهه های جنگ روانه سازد و بخشی از دسترنج آنان را به عنوان کمک به جبهه غارت کند. مسئول بسیج کارگری منطقه ۱۰ کشور در مهرماه ۶۳ اعلام کرد: "بسیج کارگری منطقه ۱۰ کشور تاکنون ۷۰۰ شهید، ۵۴ اسیر، ۲۰۰ مجروح و ۱۰۰ نفر مفقودالامر تقدیم انقلاب اسلامی نموده و بیش از ۱۴۰ میلیون تومان به جبهه ها کمک کرده است."

این گزارش تکان دهنده، به مثابه بیان جنایت رژیم و غارت زحمتکشان فقط در یکی از صدها نهاد و ارگان اعزام کننده نیرو به جبهه های مرگ آفرین جنگ تا پایان شهریور ۶۳ است. کارگران در برابر فشار حکومت تن به سکوت ندادند و علیه سیاست ادامه جنگ رژیم ایستادگی کردند. برای نمونه می توان از مبارزات اعتصابی کارگران کارخانجات سیمان آبیگ، گلکوز و نشاسته ایران، پارس خودرو، گلش وین، کشف ارومیه و... نام برد که در اعتراض به کسر حقوق و یا اعزام اجباری به جبهه صورت گرفت. مبارزه وسیع طبقه کارگر بخاطر افزایش دستمزد، همچنین کم کاری آنان و ایستادگی در برابر توطئه رژیم در اعزام کارگران به جبهه، تن ندادن به اخاذی و کسب موفقیت در این عرصه ها می تواند تاثیر قاطعی در پایان دادن به جنگ داشته باشد.

دستاوردهای مبارزات، نقاط ضعف جنبش کارگری، وظایف فعالین

اکثر مبارزات اعتصابی، با پیروزی کامل یا نسبی کارگران پایان گرفته است. از ۵۰ مورد اعتصاب در کارخانه های بزرگ تهران، در ۲۵ مورد پیروزی با کارگران بود. از مجموع ۹۰ هزار کارگر اعتصابی، بیش از ۷۰ هزار کارگر از مبارزات متحد خود نتیجه مثبت گرفتند. در هر مورد که کارگران وحدت و یکپارچگی صفوف خود را حفظ کرده اند پیروزی بدست آمده است. حاصل مبارزه اعتصابی زحمتکشان به تحقق خواسته های بلاواسطه ای که انگیزه اعتصاب بوده، محدود نمی شود. برخی از دستاوردهای مبارزه را می توان چنین جمع بندی کرد.

سیکلت سوارانها را همراهی می کردند. اینها نیز شعارهای ضد جنگ و ضد حکومتی می دادند و تظاهرات آنها بیشتر حالت جنگ و گریز داشت. در جریان تظاهرات در کوی سیزدهم آبان، تعداد زیادی از مجروحان که بالغ بر ۱۵۰ نفر می شدند توسط زنان و جوانان از محل خارج شدند و از دسترس پاسداران در امان ماندند. جنازه کشته شدگان هنوز به پستگانشان تحویل داده نشده است. کوی سیزدهم آبان همچنان در محاصره قوای مسلح است. بسیاری از کودکان به مدرسه نمی روند و بازداشت های پراکنده کماکان ادامه دارد..."

- در جریان اعتصاب چهره ضد کارگری و جنایتکارانه رژیم ج.ا. پیش از پیش افشای می شود.

جاسوسان و خبر چینیان بیشتر مورد نفرت قرار می گیرند و زحمتکشان که تاکنون فریب این جاسوسان را خورده اند انجمن ها و نهادهای ضد کارگری را ترک می گویند.

- در جریان اعتصاب، کارگران به نیروی اتحاد خود بیشتری می برند.

کارکنان قهرمان ذوب آهن با یکپارچگی و اتحاد نه تنها مانع از اخراج هزاران کارگر بلکه مانع نابودی یکی از ارکان استقلال اقتصادی کشور شدند. کارکنان ذوب آهن با رزم قهرمانانه شان نمایندگان بازداشتی خود را از چنگال رژیم سفاک "ولایت فقیه" آزاد کردند.

- کارگران به تجربه ضرورت وجود تشکل های مستقل صنفی را در می یابند. کارگران در شرایط خفقان کنونی ضمن مبارزه برای حفظ تشکل های مستقل موجود، با تشکیل هسته های رهبری مخفی در کارخانه ها، خود را برای رویارویی های آتی با ارتجاع آماده می کنند.

ضعف های عمده جنبش کارگری در مرحله کنونی عبارتند از:

۱- عدم وجود تشکل مستقل صنفی در اکثر واحدهای کار

۲- عدم وجود تشکل های سراسری و فراگیر که بتواند در شرایط معین همه نیروی طبقه کارگر را چه برای تحقق خواسته های زحمتکشان و چه در یک رشته صنعتی و چه در تمام رشته به میدان مبارزه یکپارچه بکشانند.

۳- وجود شرایط ترور و خفقان شدید پلیسی و ده ها ارگان سرکوبگر در جامعه و محیط کار. دستگیر شدن فعالین و رهبران جنبش صنفی - انقلابی کارگران سبب شده که جنبش کارگری کشور از تجارب این مبارزان محروم بماند.

۴- عدم ارتباط تشکل های پراکنده موجود با تشکل های جهانی زحمتکشان، که به نوبه خود جنبش را از قرار گرفتن در جریان تجارب کارگران دیگر کشورها و همبستگی متقابل آنان تا حدودی محروم می کند.

۵- عدم امکان انتشار علنی نشریات مستقل و مترقی کارگری در طرح مسائل و مشکلات کارگران و ارتقاء سطح دانش اجتماعی، صنفی و سیاسی آنان.

۶- سلب امکان فعالیت علنی و قانونی از حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) که ارتباط کارگران با پیشاهنگ طبقه کارگر را دشوار کرده است.

یکی از وظایف فعالین در شرایط کنونی، انعکاس خواسته های زحمتکشان در تشکل های کارگری رسمی و افشای ماهیت سازشکارانه رهبری این تشکل ها و طرد آنان است. تشکیل هسته مخفی از فعالین صنفی برای رهبری مبارزات مطالباتی کارگران، حفظ و تقویت تشکل های مستقل موجود در واحدهای کار نیز، همانطور که قبلا اشاره شد جزء مهمترین وظایف فعالین صنفی است.

هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب ملی - دمکراتیک افغانستان

روز ۷ اردیبهشت، مردم افغانستان هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند خود را جشن می گیرند.

پیش از پیروزی انقلاب ملی - دمکراتیک افغانستان، به رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان، این کشور در دهه‌ی یکی از عقب مانده ترین کشورهای جهان قرار داشت. مناسبات واپس مانده فئودالی و ماقبل فئودالی بر کشور فرمانروایی می کرد. تقریباً ۹۰٪ جمعیت افغانستان در مناطق روستایی بسر می برند. در روستاها ۶۶۷۰۰ خانوار دهقان بدون زمین، کارگران کشاورزی فصلی و شبان های تهیدست وجود داشت که روی زمین دیگران کار می کردند و عرق می ریختند و بگونه‌ای بیرحمانه از سوی زمینداران بزرگ استثمار می شدند. سهم دهقانان از محصول جز بخور و نیبری نبود. درآمد سرانه مردم افغانستان کمتر از ۹۰ دلار یعنی یکی از پایین ترین درآمدهای سرانه در سطح جهان بود. ۹۰ درصد مردم (واژ آن میان ۹۵ درصد زنان) بی سواد بودند. به هر ۵۰۰ نفر افغانی یک تخت بیمارستانی و به هر ۱۵۰۰ نفر یک دکتر می رسید.

در چنین شرایطی بود که انقلاب ضد فئودالی، ضد امپریالیستی و ملی - دمکراتیک خلق افغانستان برای پایان بخشیدن به واپس ماندگی های تاریخی این جامعه به پیروزی رسید. در سالهای پس از انقلاب دگرگونی های ژرفی بسود خلق و وحدت ملی مردم افغانستان انجام پذیرفته است که راه انقلاب را برای ساختن جامعه نوین و بهبود شرایط کار و زندگی زحمتکشان و تامین آینده مطمئن و درخشان برای همه خلق هوار می سازد.

دولت دمکراتیک خلق افغانستان بی درنگ قانون اصلاحات ارضی و آبی را تنظیم کرد و بسود دهقانان بی زمین و کم زمین به اجرا گذارد و مناسبات نوین و عادلانه‌ای را در روستا حاکم ساخت. تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار خانواده روستایی به رایگ زمین دریافت کرده‌اند. دولت سه میلیون و چهارصد هزار دهقان را از پرداخت تروزی به مبلغ ۷۲۲ میلیون افغانی (واحد پول افغانستان) آزاد کرد. دولت انقلابی برای چیرگی بروایس ماندگی تولید کشاورزی و افزایش محصولات توجه ویژه‌ای به امروزین کردن کشاورزی و بکارگیری شیوه های نوین کشاورزی مبذول می دارد. سطح زیر کشت زمینهای مکانیزه گسترش یافته و بخش دولتی تقویت شده است. پایه پای بهبود شبکه آبیاری کشور، کمک های مادی و فنی به دهقانان افزایش پیدا کرده است. طی سال پیش ۱۱۶۰۰۰ تن کود شیمیایی در اختیار دهقانان گذارده شد. "بانک توسعه کشاورزی" ج. د. خ. ۱۰۰ تنها در سال ۱۳۶۱ بیش از ۲۰۰ میلیون افغانی به دهقانان وام پرداخته است.

صنعت جوان کشور همچنان در حال رشد و گسترش است. از آغاز پیروزی انقلاب در حدود ۸۰ کارخانه مورد بهره برداری قرار گرفته است.

تولید برق افزایش یافته و کار ساختمان ۵ پروژه برق محلی در دست اجراست.

شرایط کار و زندگی کارگران و زحمتکشان دستخوش دگرگونی و بهبود کیفی شده است. دستمزد حقوق کارگران ۲۵ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. کارگران از حق ساعات کار محدود روزانه و بهره گیری از مرخصی سالیانه برخوردار شده‌اند. پیروزی انقلاب به کارگران امکان داد تا بطور قانونی اتحادیه های صنفی خود را تشکیل دهند. اتحادیه، سازمانهای گسترده‌ای با بیش از ۱۶۰۰۰ عضو وجود دارند که بر اجرای قوانین مترقی کار در واحدهای تولیدی نظارت فعال دارند.

در عرصه آموزش و فرهنگ، کام های سازنده‌ای برداشته شد. حق تحصیل رایگان و همگانی برای کودکان افغانی فراهم گردید. برپایه برنامه های ترقی خواهانه حکومت افغانستان، بیش از ۸۰۰ مدرسه جدید گشایش یافت. اینک بیش از ۴۵۲۰۰۰ دانش آموز سرگرم تحصیل هستند. پس از انقلاب برای سوزاندن ریشه بی سوادی در کشور، کارزار وسیعی پراه افتاد و در نتیجه بیش از ۱۰۸۴۰۰۰ نفر در عرض ۵ سال اول انقلاب توانایی خواندن و نوشتن یافته‌اند. براساس برنامه ریزی های موجود، بی سوادی تا سال ۱۳۶۵ در شهرها و تا سال ۱۳۶۹ در سراسر کشور ریشه کن می شود.

حکومت افغانستان بهبود وضع بهداشت و درمان و نامین سلامت خلق را یکی از وظایف مهم خود می داند. از این رو، شبکه بیمارستانها و درمانگاه و زایشگاه ها در سراسر کشور گسترش می باید. در سال ۱۳۶۲ ده مرکز درمانی جدید و ۴ مرکز حمایت از مادران و کودکان تنها در کابل افتتاح شد. بیش از ۱۵۸۰۰۰ تن در این مراکز درمانی نوینباد تحت معالجه قرار گرفتند. بیش از ۲۲۰۰۰ زن باردار در زایشگاهها معاینه شده‌اند و بطور کلی بیش از ۶۲۰۰۰۰ کودک از مراقبت پزشکی در درمانگاهها و بیمارستانها بهره مندی کردند.

زنان که از ابتدایی ترین حقوق و آزادی های دمکراتیک بی بهره بوده‌اند، از زنجیر ستم مضاعف رهایی یافتند و اینک دوش به دوش مردان

در کار تولید و فعالیت های اجتماعی شرکت می کنند.

برابری حقوق برای ۲۰ ملیت و قوم ساکن افغانستان در پرتو مناسبات برادرانه بوجود آمده است.

در شرایط کنونی، حزب دمکراتیک خلق افغانستان با توجه به ساختار جامعه معاصر افغانستان بخاطر حفظ و پیشبرد دستاوردهای انقلاب، پایه سیاست خود را بر ایجاد گسترده ترین اتحاد ملی و میهنی می داند. برای جامعه عمل پوشاندن به این مهم، در خرداد ماه سال ۱۳۶۰ برپایی "جبهه ملی پدر وطن" اعلام گردید. اینک "جبهه" به مظهر اراده و اتحاد یکپارچه خلق افغانستان تبدیل شده است. کل اعضای "جبهه نزدیک به یک میلیون نفر است.

اعضای جبهه در ۱۳۴۹ شورا سازمان یافته‌اند. مردم افغانستان، به رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان در شرایطی در جبهه اقتصادی - اجتماعی به این پیروزی های بزرگ دست یافته‌اند که همواره در این سالها ناکزیر بوده‌اند در جبهه های جنگ اعلام نشده از سوی امپریالیسم و ارتجاع با تمام توان پیکار کنند. توده های مردم که به ماهیت ضد مردمی نیروهای ضد انقلاب پی برده‌اند، بیش از پیش بیا می خیزند و همسنگر با نیروهای مسلح، با دلگرمی به دفاع از دستاوردهای ارزشمند انقلاب می پردازند.

همروند با تحکیم شالوده های انقلاب و شکست های پیاپی گروهک های ضد انقلابی، بازگشت فریب خوردگان به آغوش انقلاب و میهن شتاب بیشتر می گیرد. تاکنون بیش از ۲۵ هزار تن از کسانی که تا دیروز علیه انقلاب اسلحه در دست داشتند، خود را تسلیم مقامات امنیتی افغانستان کرده‌اند.

حزب توده ایران، و زحمتکشان کشور ما، ضمن محکوم کردن مداخلات تجاوز گرانه رژیم جمهوری اسلامی علیه خلق و افغانستان علیه خلق و انقلاب افغانستان که در هماهنگی کامل با سپاهکار ترین محافل ارتجاعی و امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، است، به کامیابی های درخشان خلق برادر در راه ایجاد جامعه ای آباد، آزاد، مستقل، صلح دوست و ضد امپریالیست به دیده تحسین می نگرند.

نامه شورای نویسندگان و هنرمندان ایران به

دبیرخانه یونسکو پاریس

آقای دبیر کل

همانطور که اطلاع دارید جنگ جنون آمیز ایران و عراق چنان ابعادی یافته است که نگرانی به حق همه وجدان های بیدار جهان را بر انگیزخته است. تاکنون بیش از نیم میلیون جوان، جان خود را از دست داده، میلیونها تن از خانه و دیار خویش آواره شده و صدها شهر و روستای بی دفاع به نابودی کشیده شده‌اند. آنچه در این میان دریغ هر انسان با فرهنگی را بر می انگیزد آن است که حتی آثار و بناهای فرهنگی نیز از تعرض مصون نمانده‌اند. هم اکنون

یادبودهای فرهنگی در کشور - که هر دو از گاهواره های دیرینه تمدن بشری هستند - در معرض خطر جدی قرار دارد. برای نمونه مسجد جامع اصفهان - که یکی از زیباترین ابنیه تاریخی است - بر اثر بمباران آسیب دیده است و مجموعه ارزنده "نقش جهان" که از سوی یونسکو یکی از میراثهای فرهنگی بشر شناخته شده است، هر آن ممکن است ویران شود.

ما بنام نویسندگان و هنرمندان ایران از شما تقاضای کنیم که تمام تلاش خود را برای پایان بخشیدن به این جنگ ویرانگر و حفظ میراثهای فرهنگی ملت های ایران و عراق به کار برید.

با احترام

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران

کارزار جهانی دفاع از زندانیان توده‌ای

اعتراض

"اتحادیه ملی پارتیزان های ایتالیا"

"اتحادیه ملی پارتیزان های ایتالیا" با ارسال نامه‌ای به سفارت جمهوری اسلامی در ایتالیا نسبت به بازداشت، شکنجه و محاکمات فرمایشی اعضا و رهبران حزب توده ایران اعتراض کرد. در نامه اتحادیه چنین می‌خوانیم: "اتحادیه ملی پارتیزان های ایتالیا که برای دموکراسی و استقلال در میهنمان رزمیده است، اعتراض خود را نسبت به محاکمات جاری در ایران اعلام می‌دارد. شکنجه‌ها و اعدامهایی که در این چند سال هزاران تن قربانی از میان آزادیخواهان ایران گرفته است، همچنان ادامه دارد. گواه این امر محاکمات غیرقانونی رهبران و اعضای حزب توده ایران است.

اتحادیه ملی پارتیزان های ایتالیا خواستار آن است که ضمانت های قانونی ضرور بر محاکمات فرمانروا گردد. در این چارچوب امکان مطالعه پرونده متهمین توسط یک هیئت حقوقدان تامین شود. افزون بر آن یک گروه از پزشکان متخصص بین المللی نیز امکان یابند تا به بررسی شرایط زندانیان سیاسی بپردازند."

اعتراض سندیکاهای بزرگ کارگران در اسپانیا

سندیکای بزرگ کارگران وابسته به حزب سوسیالیست اسپانیا (اتحادیه عمومی زحمتکشان) بیانیه اعتراض آمیزی به مضمون زهر به سفارت ج.ا. کارسال داشت:

"آقای سفیر، بدین وسیله نگرانی خود را از تجاوز سیستماتیک به حقوق بشر در کشور شما ابراز می‌داریم. نگرانی ما بخصوص از آنست که در کشور شما ابراز عقیده سیاسی موجب زندانی شدن وسیع افراد و سپس محاکمه آنها در دادگاههای در بسته نظامی و اسلامی می‌شود. ما معتقدیم که این اعمال با قوانین بین المللی مطابقت نمی‌کند. و بخصوص با ماده ۱۴ قرارداد بین المللی حقوق مدنی و سیاسی امضاء شده، از جمله بوسیله ایران، در سال ۱۹۷۵ قرار می‌گیرد. از شما می‌خواهیم که نگرانی ما را به دولت ایران ابلاغ کنید و خواست ما را مبنی بر آزاد

کردن زندانیان سیاسی به اطلاع آنها برسانید. امیدواریم که خلق ایران هرچه زودتر به حقوق دموکراتیک خود دست یابد."

این بیانیه به امضاء آقای "مانوئل سیمون" عضو کمیته اجرایی و مسئول روابط بین المللی اتحادیه عمومی زحمتکشان اسپانیا رسیده است.

تلگرام انجمن "آر.چی.سی" ایتالیا

انجمن فرهنگی و ادبی "آر.چی.سی" در ایتالیا در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران و محاکمه ناعادلانه زندانیان سیاسی به سفارت ج.ا.درم، دفتر خمینی، دفتر خامنه‌ای و رییس مجلس، تلگرامی به شرح زیر مخابره کرد.

"عمیقاً از تجاوزاتی که به حقوق بشر در ایران شده است متاثریم. تقاضای احترام به حقوق بین المللی متهمین در محاکمات را داریم. خصوصاً در مورد متهمین سیاسی تقاضا داریم که: - گروهی از پزشکان و متخصصین خارجی شرایط روحی و جسمی زندانیان سیاسی را بررسی نمایند. ۲- یک هیئت بین المللی به بررسی دقیق احکام محاکمات بپردازد. ۳- به زندانیان حق انتخاب آزاد و کیل مدافع داده شود.

اعتراض "دموکراسی پرولتاریا" در رم

سازمان "دموکراسی پرولتاریا" در رم طی پیامی محاکمات غیر عادلانه بخشی از کادر مرکزی حزب توده ایران را مورد اعتراض قرار داد. سازمان دموکراسی پرولتاریا ضمن تشریح وضع زندانها و تاکید بر این که در ایران هیچ تضمینی برای ابتدایی ترین حقوق شناخته شده بین المللی وجود ندارد، از ارگانهای صلاحیتدار و مردم ایتالیا تقاضا کرد که در مورد اعزام گروهی از پزشکان و حقوق دانان برای بررسی وضع روحی و جسمی زندانیان سیاسی و نحوه محاکمات، همچنین بهره مند شدن زندانیان سیاسی از حق انتخاب و کیل، از هیچ کوششی فروگذار نکنند. در پایان این پیام آمده است: "برای تحقق این خواستها" دموکراسی پرولتاریا" تعهد خود را برای دفاع از تمامی آنهایی که در ایران و در هر جای جهان آزادی خلقها مبارزه می‌کنند، اعلام می‌دارد.

کمکهای مالی رسیده:

رفیق ک. ۵۰.۰ دلار
م. انساندوست ۱۵۰ دلار
کاوه ۲۰۰ دلار
نوید ۲۰ دلار
عطا زلس آنجلس ۵۰ دلار
ف. ق. ۲۰۰ دلار
دوست ناشناس ۵۰ دلار

دشمن مردم حيله گر، قسى آژمند و زورمند است. تنها بازوهای متحد همه مخالفان رژیم می‌تواند مقاومت چنین دشمنی را در هم شکند. تفرقه نیروهای مخالف رژیم ارتجاعی بهترین "ارمغان" به این رژیم است. در راه وحدت عمل همه نیروها از هیچ کوشش و نرمشی دریغ نکنیم.

مبارزه در راه قطع فوری جنک وظیفه هر ایرانی میهن دوست است

پیام حزب کمونیست هند به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز!

اینجانب از طرف شورای ملی حزب کمونیست هند، خشم عمیق خود را نسبت به دستگیری و شکنجه وحشیانه رهبران و کادرهای حزب شما توسط رژیم به غایت ارتجاعی و مستبد ایران در طی دو سال گذشته، اظهار می‌دارم.

ما ادامه بازداشت تعداد بیشمار از رهبران، کادرها و محاکمات مضحک آنان را، پس از اعمال شکنجه های جسمی و روانی وحشیانه قویا محکوم می‌کنیم و معتقدیم که چنین رفتاری کاملاً غیر عادلانه و بر خلاف و ناقض تمامی حقوق اولیه انسانی است.

حزب توده ایران از بدو تاسیس، در جبهه مقدم مبارزه علیه رژیم شاه و دفاع از استقلال کشور در مقابل تاخت و تازهای امپریالیسم جهانی، بویژه امپریالیست های بریتانیا و آمریکا، و بخاطر تضمین دموکراسی و ترقی اجتماعی برای مردم ایران قرار داشته و دارای سنت های غنی میهن پرستانه است. حزب توده ایران، حزب فعال و شرکت کننده مبارزی در انقلاب ضد شاه و ضد امپریالیستی و پیروزمند فوریه ۱۹۷۸ بوده است.

اکنون امپریالیسم بوسیله نیروهای ارتجاع داخلی (سرمایه داران و زمینداران بزرگ) در جهت عقبم گذاشتن اهداف والای انقلاب فوریه دست به توطئه زده است. جای بسی تاسف است که انقلاب مردم ایران توسط رژیم کشور شما مورد خیانت واقع شده و چرخش به راست حاکمیت، با حملات وحشیانه به حزب شما و دیگر نیروهای پیشرو و مترقی توأم بوده است. ما نگرانی عمیق خود را در مورد وقایعی که در کشور شما به وقوع می‌پیوندد ابراز می‌داریم و معتقدیم که چنین اعمالی آب به آسیاب امپریالیسم، دشمن مشترک ما می‌ریزد.

حزب ما خواهان پایان سرکوب و شکنجه های وحشیانه ای است که نسبت به رهبران و کادرهای حزب توده ایران و همچنین دیگر نیروهای مترقی کشورتان اعمال می‌گردد. همچنین ما آزادی فوری زندانیان و قطع محاکمات آنان را خواهیم. ما همبستگی صمیمانه خود را در این لحظات حساس ابراز می‌داریم و اطمینان داریم که پیروزی از آن شماست.

با درودهای گرم رفیقانه

س. راجش دارا راثو، دبیر اول حزب کمونیست هند.



NAMEH
MARDOM
No: 47

P. B. 49034
10028 Stockholm #9
Sweden

APRIL 25, 1985